

نابرابری‌های درآمدی و رفاه پایدار شهری

(مطالعه‌ی موردی: کلان شهر شیراز)^(۱)

محمود اکبری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان، نویسنده‌ی مسؤل)

Mahmoodakbari233@gmail.com

مسعود تقوایی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان)

علی زنگی آبادی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان)

حمیدرضا وارثی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان)

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل نقش نابرابری‌های درآمدی در نیل به رفاه پایدار در کلان‌شهر شیراز می‌پردازد. این پژوهش تعدادی از روش‌های اندازه‌گیری نابرابری درآمدی در اقتصاد را مشخص کرده و راه‌های ممکن تأثیر اثرات توزیعی بر میزان رفاه در اقتصاد را نشان می‌دهد. پژوهش از نوع کمی-تحلیلی بوده و قلمرو پژوهش را کلان‌شهر شیراز در محدوده‌ی زمانی ۸۵-۱۳۸۱ و مناطق نه‌گانه‌ی شهر شیراز در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. اطلاعات توزیع درآمد-هزینه برای مورد مطالعه، براساس ریزداده‌های طرح درآمد-هزینه‌ی مرکز آمار ایران تهیه شده است. با استفاده از داده‌های میدانی که از سیصد و هشتاد و چهار سرپرست خانوار جمع‌آوری شده، وضعیت دهک‌های درآمدی در شهر شیراز و مناطق نه‌گانه‌ی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. با استفاده از شاخص‌های اتکینسن، دالتون، تیل و هیرشمن، نابرابری درآمدی در شهر شیراز در دوره‌های مختلف زمانی و در مناطق این شهر مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از شاخص اتکینسن و با لحاظ درجه‌های حساسیت به نابرابری، نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بوده است. شاخص تیل نشان می‌دهد که بیشترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۲ و کمترین

سطح نابرابری در سال ۱۳۸۵ دیده شده است و از سال ۱۳۸۲ به بعد این شاخص به سمت برابری پیش می‌رود. شاخص هیرشمن نمایانگر روندی نابرابر است و این روند در محدوده‌ی زمانی ۸۲-۱۳۸۱ روندی افزایشی و در محدوده‌ی زمانی ۸۳-۱۳۸۲ روندی کاهشی داشته است. دلیل وجود نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز را می‌توان در عدم تخصیص بهینه‌ی بودجه به زیربخش‌های عمده اقتصادی (بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی) و فاصله‌ی زیاد بین دهک‌های درآمدی از جمله دهک اول و دهم دانست. براساس نظر پژوهشگرانی مانند بکرمن (۱۹۸۰)، دالی و کاب (۱۹۸۹)، کلاسن (۱۹۹۴)، هیکس (۱۹۹۷) و استیمنه و جکسون (۲۰۰۰) که معتقدند وقتی که نابرابری درآمدی افزایش پیدا می‌کند و عدالت توزیعی وجود نداشته باشد، رفاه خانوارها کمتر می‌شود، می‌توان گفت که این نابرابری‌های درآمدی مقوله‌ی رفاه را در کلان‌شهر شیراز تحت تأثیر خود قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: تابع رفاه اتکینسن، شاخص دالتون، شاخص هیرشمن، شاخص تیل، کلان‌شهر شیراز.

۱. درآمد:

۱-۱. طرح مسأله

نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی در شهرهای کشورهای درحال توسعه مشهود است (مور، ۲۰۰۰:۷) و این نابرابری‌ها نه تنها بر میزان رفاه کنونی مؤثر است، بلکه بر رفاه نسل‌های آینده نیز تأثیر می‌گذارد (استیمن و جکسون، ۲۰۰۰:۲۲۰). پژوهش حاضر سعی دارد که به تحلیل نقش نابرابری‌های درآمدی در نیل به سوی رفاه پایدار در کلان‌شهر شیراز بپردازد. این بحث این امکان را برای برنامه‌ریزان فراهم می‌کند تا در هدایت برنامه‌های توسعه و تخصیص بودجه‌ها، واقعیات را مورد توجه قرار داده و توسعه‌ی هم‌سطح شهرها و مناطق را مورد توجه قرار دهند. یکی از اهداف آرمانی هر جامعه تأمین رفاه و بهزیستی لازم برای تک تک افراد است و یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش رفاه در شهرها درآمد است. برای نمونه استرلین (۱۹۷۴)، سن (۱۹۸۵)، (۱۹۸۷)، نوسبومز (۱۹۸۸، ۲۰۰۰)، دویال و جوگز (۱۹۹۱)، نارایان و همکاران (۲۰۰۰)،

داسجپتا (۲۰۰۱) در پژوهش‌های خود درآمد را مهمترین معیار سنجش رفاه ذکر نموده‌اند. به همین خاطر در این پژوهش به دنبال این سؤال بوده‌ایم که شاخص‌های سنجش نابرابری درآمدی در کلان‌شهر شیراز به چه صورت بوده است. از طریق تعدیل درآمدها در زیربخش‌های اقتصادی از یک سو و کاهش فاصله‌ی دهک‌های درآمدی از سوی دیگر، می‌توانیم به سمت افزایش رفاه در کلان‌شهرها پیش رویم. به هر حال انجام چنین پژوهشی زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های جامع و اصولی و نیل به عدالت اجتماعی در گستره‌ی فضا‌های شهری شیراز را سبب می‌شود.

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص نابرابری‌های درآمدی، مطالعاتی به شرح زیر انجام گرفته است: زنون (۱۳۸۴) به این نتیجه رسید که در دوره‌ی پس از انقلاب، شاهد افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بوده‌ایم. زیاری و موسوی (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که توزیع درآمد در جامعه‌ی شهری یزد نسبت به جامعه‌ی شهری کشور و جامعه‌ی روستایی استان از وضعیت بهتری برخوردار بوده است. بکرمن (۱۹۸۰) با استفاده از شاخص اتکینسن به محاسبه‌ی نرخ‌های رشد می‌پردازد و این نرخها را با نرخ‌های رشد درآمدهای عادلانه توزیعی مقایسه می‌کند. دالی و کاب (۱۹۸۹) به سنجش رفاه پایدار اقتصادی می‌پردازند که توزیع بهینه‌ی درآمد، جزئی از آن به حساب می‌آید. اساس محاسبه‌ی شاخص رفاه اقتصادی پایدار، مصرف فردی است که به عنوان نابرابری درآمدی تعدیل می‌شود. یوان دی پی (۱۹۹۲ و ۱۹۹۳) می‌خواهد که شاخص توسعه‌ی انسانی را با استفاده از توزیع درآمد تعدیل کند. کلاسن (۱۹۹۴) اجزای توزیعی را تغییرات در رفاه تلقی می‌کند، به گونه‌ای که رفاه همان درآمد تلقی شود. هیکس (۱۹۹۷) با استفاده از ضریب جینی تلاش می‌کند که حوزه‌ی موارد توزیعی شاخص توسعه‌ی انسانی را وسیع سازد، تا این‌که طول عمر و آموزش را وارد حیطه‌ی توزیع نماید. استیمه و

جکسن (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که با توجه به این‌که سنجش واقعی خوشحالی و خوشبختی افراد دشوار است، مطلوبیت درآمد، شاخصی برای رفاه در نظر گرفته می‌شود.

۳-۱. اهداف پژوهش

۱-۳-۱. هدف کلی

- نابرابری‌های درآمدی و رفاه شهری در کلان‌شهر شیراز.

۲-۳-۱. اهداف راهبردی

- بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از تابع رفاه اجتماعی.
- بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از شاخص دالتون.
- بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از سنجش تیل.
- بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از شاخص هیرشمن.

۴-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر کمی-تحلیلی و قلمرو پژوهش را کلان‌شهر شیراز در محدوده‌ی زمانی ۸۵-۱۳۸۱ و مناطق نه‌گانه‌ی این شهر در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. در این پژوهش اطلاعات درآمد-هزینه براساس ریزداده‌های طرح درآمد-هزینه مرکز آمار ایران به دست آمده است و با استفاده از داده‌های میدانی که از سرپرستان خانوار (۳۸۴ خانوار) جمع‌آوری شده، وضعیت دهک‌های درآمدی در مناطق نه‌گانه‌ی شهر شیراز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری پژوهش از خانوارهای شهر شیراز که تعداد آنها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ برابر با ۳۴۴۵۳۳ تن بوده است، تشکیل می‌شود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی و متناسب با حجم بوده است. جدول شماره (۱) پرسشنامه‌های تکمیل شده در مناطق نه‌گانه‌ی شهر شیراز را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده در مناطق نه گانه‌ی شهر شیراز

منطقه پرسشنامه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	کل
تعداد خانوار	۵۱۲۰۰	۴۸۶۴۱	۴۶۰۶۶	۵۰۸۱۹	۳۳۰۰۴	۳۸۷۷۲	۳۵۱۱۹	۱۴۵۶۴	۲۶۳۴۸	۳۴۴۵۳۳
تعداد پرسشنامه	۵۷	۵۴	۵۲	۵۶	۳۷	۴۳	۳۹	۱۶	۳۰	۳۸۴

(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

نهایتاً با استفاده از شاخص‌های اتکینسن، دالتون، تیل و هیرشمن در محیط نرم‌افزاری استاتا^۱ نابرابری‌های درآمدی شهر شیراز در دوره‌های مختلف زمانی و در مناطق نه‌گانه‌ی شهر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۵. فرضیه‌ی پژوهش

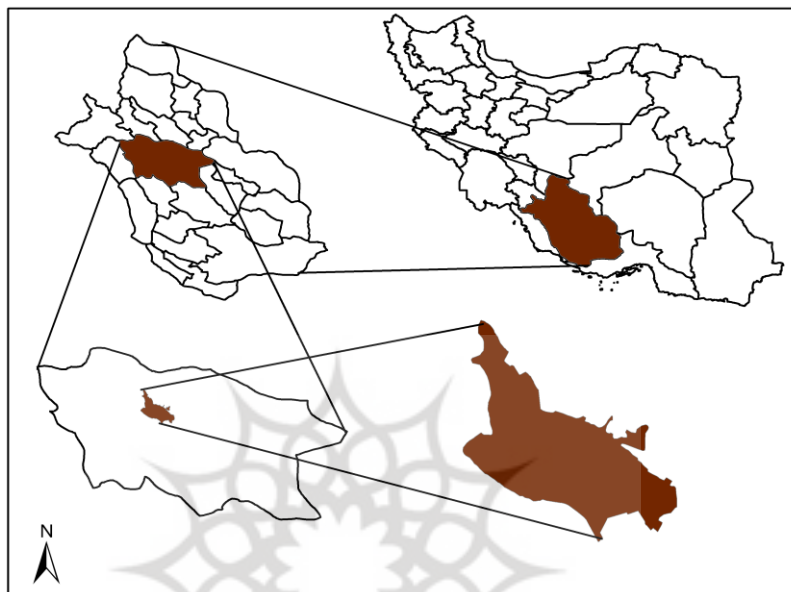
شاخص‌های سنجش نابرابری درآمدی در شهر شیراز طی سال‌های مورد بررسی اختلافات آشکاری را نشان می‌دهند.

۱-۶. معرفی شهر مورد مطالعه

شهر شیراز در موقعیت ۵۲ درجه و ۳۲ دقیقه‌ی طول شرقی و ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه‌ی عرض شمالی و در فاصله‌ی ۹۱۹ کیلومتری تهران قرار دارد (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵) و از شمال به رشته کوه‌های بموکه، از غرب به کوه‌های سفیدار و از جنوب غربی و شمال شرقی به جلگه‌ی شیراز محدود می‌شود (مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۷۰: ۸). شکل شماره (۱) موقعیت جغرافیایی شهر شیراز را نشان می‌دهد.

^۱. Stata

شکل شماره (۱) موقعیت جغرافیایی کلان شهر شیراز



۲. مبانی نظری

۱-۲. توزیع عادلانه و رویکردهای آن

یکی از آموزه‌های اقتصادی اسلام، عدالت است و از مؤلفه‌های عدالت، کاهش نابرابری‌ها و رسیدن به توازن اقتصادی بین شهروندان است (ابونوری و خوش‌کار، ۱۳۸۷: ۱۰۰). در این زمینه دالی معتقد است که توزیع خوب، توزیعی است که عادلانه یا منصفانه یا حداقل به گونه‌ای باشد که درجه‌ی نابرابری در محدوده‌ی قابل قبولی تغییر کند (دالی^۱، ۱۹۹۲). بويس معتقد است که توزیع عادلانه‌تر قدرت باعث پیشرفت در عدالت محیطی می‌شود (بويس^۲، ۱۹۹۴). تعریف

^۱. Daly

^۲. Boyce

وی از تابع قدرت بر پایه‌ی ترکیبی از یک شاخص نابرابری درآمدی (ضریب جینی)، متغیر سواد، حقوق سیاسی و حقوق شهروندی و عوامل خاص دیگر (اساساً جغرافیایی) می‌باشد. توراس و بویس معتقدند که ناعدالتی بیشتر موجب فساد بیشتر می‌شود (توراس و بویس^۱، ۱۹۹۸).

گرانند و همکاران (۱۹۷۶) رویکردهای متعددی را برای توزیع عادلانه طرح کرده‌اند که عبارت‌اند از:

- رویکرد استاندارد کمینه: این رویکرد تنها افراد فقیر در جامعه را مورد توجه قرار داده به گونه‌ای که می‌گوید، درآمد هیچ کس نباید کمتر از یک حد معین باشد.
 - رویکرد برابری کلی: این رویکرد معتقد است که تمام افراد باید درآمد یکسان دریافت کنند. به عنوان مثال ده درصد جامعه باید ده درصد درآمد را در اختیار داشته باشد.
 - رویکرد نیاز یا شایستگی: که در آن نابرابری زمانی پذیرفته می‌شود که گروهی به درآمد بیشتری نیاز داشته باشند یا به دلیل تلاش، کوشش، نبوغ و غیره، شایستگی درآمد بیشتری را داشته باشند.
 - رویکرد برابری فرصت‌ها: نابرابری زمانی پذیرفتنی است که همه‌ی افراد فرصت یکسانی داشته باشند و توزیع عادلانه صورت گرفته باشد (استیمن و جکسون^۲، ۲۰۰۰:۲۲۰).
- رویکرد عدالت اجتماعی توسط راولز (۱۹۷۱) مطرح شده است که شامل توضیحات روشنی درباره‌ی ماهیت عدالت توزیعی بدون اشاره به تولید است (هاروی، ۱۳۷۶: م). رویکردی که گرانند و همکاران (۱۹۷۶) از آن به عنوان رویکرد ترکیبی یاد کردند، رویکردی است که در آن نابرابری‌ها تا جایی تعدیل می‌شوند که سودها به حداقل برسد (Grand et al, ۱۹۷۶).

^۱. Torras and Boyce

^۲. Stymne and Jackson

۲-۲. تئوری‌های رابطه‌ی رفاه و درآمد

تئوری‌های متفاوتی برای رابطه‌ی رفاه و درآمد وجود دارند. تئوری نسبیت معتقد است که تأثیر درآمد بر رفاه افراد وابسته به استانداردهای متغیر شکل گرفته از انتظارات و مقایسات اجتماعی است^۱. تئوری مطلقیت معتقد است که رضایت از نیازهای پایه با رفاه ذهنی دارای ارتباط است و از نقطه‌ی آغازی خبر می‌دهد که فراتر از آن تأثیر درآمد بر رفاه ذهنی مهم نیست (رجاز^۲، ۲۰۰۴). تئوری تطبیق بر توانایی افراد در تطبیق با رویدادهای مثبت و منفی معطوف می‌شود، افرادی که توانایی تطبیق بالاتری دارند، خوشحال‌تراند و حتی در شرایطی که درآمد پایین‌تری دارند، شادمان‌تر هستند (Brickman et al, ۱۹۷۸). تئوری اشتیاق براین باور است افرادی که معتقدند آرزوهایشان کاملاً برآورده شده به طور طبیعی شادتر از افرادی هستند که تمایلات آنها فارغ از میزان درآمدشان برآورد نشده است (Michalos, ۱۹۸۵).

۳. روش‌های اندازه‌گیری نابرابری‌های درآمدی

شاخص‌های متنوعی برای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی ارائه شده است:

۳-۱. شاخص دالتون

دالتون بنیان‌گذار و پیشگام آرایه‌ی شاخص‌های قیاسی است. در این شاخص بیشینه‌ی رفاه زمانی حاصل خواهد شد که درآمد همه افراد در توزیع درآمد، مساوی با میانگین درآمد توزیع باشد. شاخص دالتون عبارت است از نسبت کل رفاه اقتصادی حاصل از یک توزیع درآمد مساوی به کل رفاه اقتصادی حاصل از توزیع درآمد داده شده.

$$D = \frac{nw(\bar{X})}{\sum_{i=1}^n w(x_i)}$$

^۱. Meadow et al, ۱۹۹۲; Diener and Diener, ۱۹۹۶; Parducci, ۱۹۹۵; Easterlin, ۱۹۷۴, ۱۹۹۵; Diener et al, ۱۹۹۳; Hagerty, ۱۹۹۹; Rojas, ۲۰۰۴

^۲. Rojas

در رابطه‌ی بالا $W(\bar{X})$ تابع رفاه حاصل از درآمد میانگین \bar{X} و $W(X_i)$ تابع رفاه حاصل از درآمد X_i می‌باشد. دالتون (۱۹۲۰) اندازه‌گیری رفاه را چنین بیان می‌کند:

$$W = \sum_i U(y_i)$$

که در آن:

W = مجموع مطلوبیت؛

$U(y_i)$ = مطلوبیت حاصل از درآمد i ام (دالتون، ۱۹۲۰).

۳-۲. شاخص اتکینسن

شاخص اتکینسن نخستین بار توسط اتکینسن (۱۹۷۰) براساس الگوی رفاه اجتماعی پیشنهاد شده است (اتکینسن، ۱۹۷۰) تفاوت این شاخص با ضریب جینی این است که ضریب جینی فقط به صورت عینی به درجه‌بندی نابرابری درآمدی می‌پردازد، این درحالی است که اتکینسن، شاخص‌های هنجاری دیدگاه‌های ارزشی خاص را به وسیله‌ی ایجاد ارتباط بین نابرابری درآمدی و رفاه اجتماعی ترکیب می‌کند (استیمن و جکسون، ۲۰۰۰: ۲۲۳-۲۲۲).

شاخص اتکینسن را می‌توان این گونه تعبیر کرد: سهمی از کل درآمد حاضر که اگر درآمدها به صورت مساوی توزیع شوند، برای دستیابی به سطوح برابر رفاه اجتماعی مورد نیاز است (اتکینسن، ۱۹۸۳). اتکینسن معتقد است که می‌توان رفاه کلی را مطابق با توزیع خاصی از درآمد براساس فرمول زیر به دست آورد:

$$W = Y * \left[\sum_i (y_i / Y)^{(1-\epsilon)} \cdot p_i \right]^{1/(1-\epsilon)}$$

که در آن:

Y = درآمد کل؛

y_i = میانگین درآمد گروه i ام؛

y = میانگین درآمد از درآمد کل جامعه؛

p_i = سهم درآمد کل جامعه در گروه i ام؛

ε = عاملیت که نشان دهنده‌ی وزن مطابق با نابرابری در توزیع درآمد در جامعه است (استیمن و جکسون، ۲۰۰۰-۲۲۴-۲۲۳).

$$I = 1 - \frac{W}{Y} \quad \text{شاخص اتکینسن این گونه تعریف می‌شود:}$$

از آنجا که با کاهش رفاه اجتماعی نابرابری توزیع درآمد افزایش می‌یابد، شاخص اتکینسن تابع صعودی از نابرابری اقتصادی که توسط تفاوت بین درآمد کل و رفاه تعریف می‌شود، است. در اقتصادی که توزیع به صورت کامل انجام می‌گیرد، $y_i = y$ برای هر گروه برقرار است، بنابراین سطح رفاه به شکل زیر است:

$$W = Y * \left[\sum_i p_i \right]^{\frac{1}{1-\varepsilon}} = Y$$

در این نمونه، اندازه نابرابری I همان‌طوری که انتظار می‌رفت به صفر کاهش می‌یابد. عامل ε پارامتری مهم است و ترجیح جامعه را برای برابری توزیع درآمد نشان می‌دهد. از آنجا که پیش‌بینی می‌شود جوامعی تمایل به سمت نابرابری درآمدی دارند، روشن است که عامل ε هم مقادیر منفی و هم مثبت می‌گیرد. وقتی $\varepsilon = 0$ باشد، جامعه نسبت به توزیع درآمد بی‌تفاوت است و رفاه مجدداً به اندازه‌ی درآمد کل در اقتصاد کاهش می‌یابد (همان: ۲۲۴).

$$W = Y * \left[\sum_i \left(\frac{y_i}{y} \right) \cdot p_i \right] = Y$$

و رفاه برابر با درآمد کل در نظر گرفته می‌شود. بنابراین پارامتر ε می‌تواند صریحاً به منظور امکان نسبت دادن سطوح رفاه مطابق با نگرش‌های متفاوت نسبت به نابرابری در جامعه مورد استفاده قرارگیرد. مقادیر ε را در تئوری می‌توان این گونه تعریف کرد: اثربخشی انتقال. یعنی چه میزان فرد ثروتمند حاضر است به صورت هزینه‌ی انتقال از دست بدهد، زمانی که درآمد از ثروتمند به فقیر انتقال می‌یابد، این فکر تجربی فرمولی را برای مشخص کردن ε به ما می‌دهد:

$$\frac{1}{x} = d^\varepsilon$$

که در آن:

$x =$ آن بخشی از درآمدی که فرد پولدار حاضر است از دست بدهد و به فرد فقیر بدهد؛
 $d =$ تفاوت نسبی بین درآمد فقیر و ثروتمند است (همان: ۲۲۵-۲۲۴).

۳-۳. شاخص تیل

تیل معتقد است که مفهوم آنتروپی یک راه قابل استفاده برای اندازه‌گیری نابرابری است. در این شاخص باید n حادثه‌ی امکان‌پذیر را به عنوان n فرد در جامعه در نظر بگیریم و p_i را به عنوان سهم فرد i از درآمد کل در نظر بگیریم. در نتیجه می‌توان گفت:

$$\sum_{i=1}^n S_i = 1$$

$$S_i = \frac{y_i}{ny}$$

با کم کردن آنتروپی واقعی توزیع درآمد از بیشینه‌ی ارزش ممکن آنتروپی (وقتی هر $S_i = \frac{1}{n}$ هرکس سهم مساوی خواهد داشت) می‌توانیم وضعیت شاخص نابرابری تیل را به صورت زیر در نظر بگیریم:

$$T = \sum_{i=1}^n \frac{1}{n} h\left(\frac{1}{n}\right) - \sum_{i=1}^n S_i h(S_i)$$

$$T = \sum_{i=1}^n S_i \left[h\left(\frac{1}{n}\right) - h(S_i) \right]$$

$$= \sum_{i=1}^n S_i \left[\log\left(\frac{1}{n}\right) - \log(S_i) \right]$$

$$= \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i}{y} \log \frac{y_i}{y}$$

هر کدام از این عبارات به نوعی شاخص تیل را معرفی می‌کند (ذاکر هنجی، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲).

۳-۴. شاخص هیرشمن

یکی از شاخص‌های کاربردی برای بیان مفهوم تمرکز، شاخص هیرشمن است. این شاخص از اطلاعات تمام بنگاهها در صنعت استفاده می‌کند و برای به دست آوردن این شاخص از مجموع مربع سهم اندازه‌های تمام بنگاهها در صنعت یا بازار استفاده می‌شود. در واقع این شاخص به هر بنگاه به اندازه‌ی سهم آن در بازار وزن می‌دهد. شاخص هیرشمن در دهه‌ی هشتاد توسط کمیسیون فدرال تجارت آمریکا برای طبقه‌بندی بازار مورد استفاده قرار گرفت.

$$HHI = \sum_{i=1}^N S_i^2$$

S_i^2 : مربع سهم بازار بنگاه i ام؛

N : تعداد بنگاههای موجود در بازار (بخشی، ۱۳۸۲، ۲۶).

۴. تحلیل شاخص‌های نابرابری در کلان‌شهر شیراز

۴-۱. تحلیل شاخص‌های نابرابری شهر شیراز در دوره‌های مختلف زمانی

برای سنجش نابرابری درآمد، شاخص‌های مختلفی به وجود آمده که اندازه‌های متفاوتی از نابرابری به دست داده و رتبه‌های مختلفی از توزیع‌های درآمدی را ارائه می‌دهند.

جدول شماره (۲) نابرابری‌های درآمدی در شهر شیراز با استفاده از شاخص اتکینسن

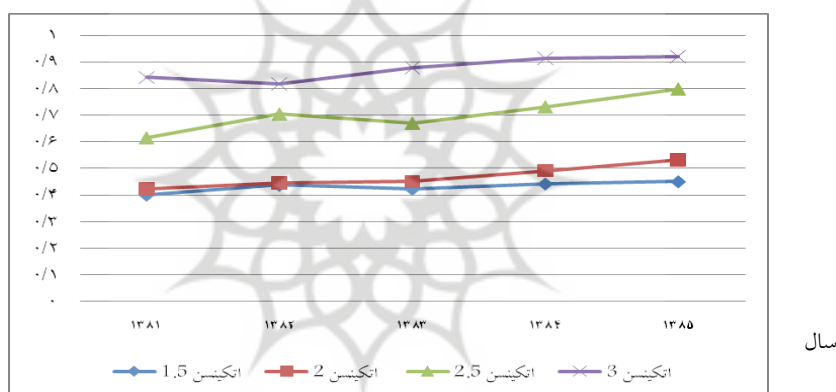
سال	شاخص					
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
	۰.۴۵۰۴	۰.۴۴۲۱	۰.۴۲۱۹	۰.۴۳۷۱	۰.۳۹۹۵	$\varepsilon = 1.5$
	۰.۵۳۳۴	۰.۴۹۲۲	۰.۴۵۱۴	۰.۴۴۷۱	۰.۴۲۳۴	$\varepsilon = 2$
	۰.۷۹۷۸	۰.۷۳۰۸	۰.۶۶۹۶	۰.۷۰۴۰	۰.۶۱۴۸	$\varepsilon = 2.5$
	۰.۹۲۰۱	۰.۹۱۲۸	۰.۸۷۸۱	۰.۸۱۸۲	۰.۸۴۲۱	$\varepsilon = 3$
	۱/۲۵	۱/۲۲	۱/۱۵	۱/۱۸	۱/۱۳	دالتون

(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

در شاخص دالتون هرگاه توزیع درآمد مساوی باشد، این نسبت برابر یک و اگر توزیع درآمد نابرابر باشد، بزرگتر از یک خواهد بود. روند نابرابری درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از شاخص دالتون نشان می‌دهد که این شاخص به سمت نابرابری بیشتر پیش می‌رود و در سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ این شاخص به شدت افزایش یافته است و قطعاً این نابرابری‌ها بر میزان رفاه تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش شاخص اتکینسن با چهار درجه حساسیت به نابرابری (ϵ) با مقادیر ۱/۵، ۲، ۲/۵ و ۳ به طور جداگانه برآورد شده و نتایج در جدول شماره (۲) آمده است.

شکل شماره (۲) نابرابری‌های درآمدی در شهر شیراز با استفاده از شاخص اتکینسن

شاخص اتکینسن



روند نابرابری درآمدی در کلان‌شهر شیراز با استفاده از شاخص اتکینسن نشان می‌دهد که با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت به نابرابری $\epsilon = 1.5$ بیشترین سطح نابرابری به ترتیب به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴ تعلق داشته است و در این زمینه کمترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۱ دیده می‌شود. با لحاظ نمودن درجه حساسیت $\epsilon = 2$ بیشترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۵ و کمترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۱ دیده می‌شود. با لحاظ نمودن درجه حساسیت $\epsilon = 2.5$ در شاخص اتکینسن بیشترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۵ دیده می‌شود و پس از آن سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نابرابری بیشتری داشته‌اند. در این زمینه کمترین نابرابری به سال ۱۳۸۱

تعلق دارد. با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ ، بیشترین سطح نابرابری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴ و کمترین سطح نابرابری نیز در سال ۱۳۸۲ دیده شده است و از سال ۱۳۸۲ به بعد تدریجاً این شاخص افزایش چشمگیری پیدا کرده است.

با استفاده از شاخص تیل به بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز اقدام شده است. پس از محاسبه‌ی مقادیر سهم و آنتروپی هر کدام از بخش‌ها به محاسبه‌ی شاخص تیل اقدام شده و جدول شماره (۳) و شکل شماره (۳) حاصل شده است.

جدول شماره (۳) نابرابری‌های درآمدی در شهر شیراز با استفاده از شاخص تیل

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
سهم					
بخش عمومی	۰.۱۰۸	۰.۱۲۰	۰.۱۴۱	۰.۱۴۹	۰.۱۵۶
بخش تعاونی	۰.۱۳۱	۰.۰۸۱	۰.۱۳۴	۰.۱۰۳	۰.۱۵۴
بخش خصوصی	۰.۱۱۳	۰.۱۰۲	۰.۱۴۶	۰.۱۵۱	۰.۱۵۵
آنتروپی	۰.۳۵۳	۰.۳۰۴	۰.۴۲۲	۰/۴۰۳	۰.۴۶۵
شاخص					
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
تیل	۰.۱۲۳	۰.۱۷۲	۰.۰۵۴	۰.۰۷۳	۰.۰۱۱

(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

شکل شماره (۳) نابرابری‌های درآمدی در شهر شیراز با استفاده از شاخص تیل

شاخص تیل



اندازه شاخص تیل بین صفر و $\log n$ تغییر می‌کند. صفر توزیع درآمد برابر و $\log n$ نابرابری در توزیع درآمد در جامعه را نشان می‌دهد. شاخص تیل نشان می‌دهد که روند توزیع درآمدی در کلان-شهر شیراز به سوی برابری و توزیع یکنواخت پیش می‌رود، به گونه‌ای که این شاخص از ۰.۱۲۳ در سال ۱۳۸۱ به ۰.۰۱۱ در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

با استفاده از شاخص هیرشمن به بررسی روند نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز اقدام شده و جدول و شکل شماره (۴) حاصل شده است.

جدول شماره (۴) مجذور سهم بخشها و نابرابری‌های درآمدی شهر شیراز با استفاده از شاخص هیرشمن

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
مجذور سهم					
بخش عمومی	۰.۴۵۹	۰.۵۵۹	۰.۴۵۶	۰.۴۷۵	۰.۴۸۸
بخش تعاونی	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۳
بخش خصوصی	۰.۵۳۷	۰.۴۳۸	۰.۵۴۲	۰.۵۲۳	۰.۵۰۸
جمع	۱	۱	۱	۱	۱
شاخص					
سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
هیرشمن	۰.۵۰۰	۰.۵۰۲	۰.۵۰۱	۰.۵۰۲	۰.۵۰۳

(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

شکل شماره (۴) نابرابری‌های درآمدی شهر شیراز با استفاده از شاخص هیرشمن

شاخص هیرشمن



سال

هرچه شاخص هیرشمن به صفر نزدیکتر باشد، به معنی برابری بوده و مقادیر بیشتر نابرابری و تمرکز در برخی از بخش‌ها و زیرمجموعه‌ها را نشان می‌دهد. روند توزیع درآمد در کلان‌شهر شیراز نابرابری را نشان می‌دهد و این روند در محدوده‌ی زمانی ۸۲-۱۳۸۱ روندی افزایشی و در محدوده‌ی زمانی ۸۳-۱۳۸۲ روندی کاهشی را نشان می‌دهد. شاخص هیرشمن از سال ۱۳۸۳ به بعد نشان دهنده‌ی روندی صعودی و حرکت به سوی افزایش نابرابری دارد. توضیحات بالا فرضیه‌ی پژوهش « شاخص‌های سنجش نابرابری درآمدی در شهر شیراز طی سال‌های مورد بررسی اختلافات آشکاری را نشان می‌دهند» را تأیید می‌کنند. براساس نظر محققینی نظیر بکرمن (۱۹۸۰)، دالی و کاب (۱۹۸۹)، کلاسین (۱۹۹۴)، هیکس (۱۹۹۷) و استیمنه و جکسن (۲۰۰۰) که معتقدند وقتی نابرابری درآمدی در شهر و منطقه‌ای افزایش پیدا می‌کند و عدالت توزیعی وجود نداشته باشد، رفاه خانوارها کمتر می‌شود. بدون شک نابرابری‌های مذکور مقوله‌ی رفاه را در کلان‌شهر شیراز تحت تأثیر خود قرار داده است.

۴-۲. تحلیل شاخص‌های نابرابری در مناطق نه‌گانه‌ی کلان‌شهر شیراز

با استفاده از شاخص‌های نابرابری درآمدی به بررسی و تحلیل میزان نابرابری درآمدی در مناطق نه‌گانه‌ی کلان‌شهر شیراز اقدام شده و جدول شماره (۵) حاصل شده است.

جدول شماره (۵) نابرابری درآمدی در مناطق نه‌گانه‌ی شهر شیراز

هیرشمن	تیل	دالتون	اتکینسن			شاخص منطقه
			$\epsilon = 3$	$\epsilon = 2.5$	$\epsilon = 1.5$	
۰.۱۷۸۹۶۷	۰.۶۸۵۳۳	۱.۳۳۹۱۹۳	۰.۲۴۵۳۷۸۲	۰.۱۳۹۳۰۶۱	۰.۱۷۵۱۱۳	یک
۰.۱۶۲۵۸۱	۰.۶۲۶۳۹	۱.۴۱۵۴	۰.۳۷۷۴۲۸۹	۰.۱۵۴۳۱۴۵	۰.۱۷۴۵۰۳	دو
۰.۱۸۴۷۸۲	۰.۷۰۰۷۱	۲.۰۵۳۱۵۶	۰.۳۳۰۱۸۶۰	۰.۱۹۱۰۷۴۰	۰.۲۳۳۸۵۰	سه
۰.۲۴۷۱۵۰	۰.۵۵۷۵۱	۲.۵۸۹۷۴	۰.۴۹۵۴۹۵۵	۰.۳۰۰۵۲۵۴	۰.۳۹۶۵۵۶	چهار
۰.۱۹۵۱۸۰	۰.۴۵۴۴۶	۳.۷۲۷۰۹	۰.۳۸۷۰۸۴۵	۰.۲۱۹۲۲۲۱	۰.۲۵۱۲۵۷	پنج
۰.۲۳۱۲۶۲	۰.۵۱۷۷۸	۲.۳۱۶۸۱	۰.۴۵۱۵۱۲۰	۰.۲۶۹۷۵۵۷	۰.۳۴۸۶۲۷	شش
۰.۱۹۷۲۷۸	۰.۵۳۶۱۶	۲.۲۵۵۹۲	۰.۳۶۷۸۷۵۲	۰.۲۰۴۵۴۰۹	۰.۲۳۳۷۳۱	هفت
۰.۱۴۷۳۸۸	۰.۱۵۹۵۱	۲۴.۳۴۲۸	۰.۲۷۵۰۳۹۲	۰.۱۴۸۲۹۷۴	۰.۱۵۰۸۰۴	هشت
۰.۱۴۶۱۳۷	۰.۳۴۳۷۶	۱۲.۹۷۲۷	۰.۳۰۵۹۹۳۶	۰.۱۵۷۶۰۱۱	۰.۱۴۷۶۸۵	نه

(یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت به نابرابری $\varepsilon = 1.5$ بیشترین میزان نابرابری به مناطق چهار، شش، پنج و سه شهر شیراز تعلق داشته است و در این زمینه کمترین میزان نابرابری در مناطق نه و هشت دیده می‌شود. با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ در شاخص اتکینسن بیشترین میزان نابرابری در منطقه‌ی چهار دیده می‌شود و پس از آن منطقه‌ی شش، پنج و هفت نابرابری بیشتری داشته‌اند. در این زمینه کمترین میزان نابرابری به مناطق یک و هشت شهر شیراز تعلق داشته است. با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ بیشترین میزان نابرابری در مناطق چهار و شش شهر شیراز دیده شده است. از این حیث کمترین میزان نابرابری نیز به منطقه‌ی یک شهر شیراز تعلق داشته است.

در شاخص دالتون اگر توزیع درآمد نابرابر باشد، بزرگتر از یک خواهد بود. نتایج محاسبات این شاخص نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری‌های درآمدی به منطقه‌ی هشت شهر شیراز تعلق داشته است.

در شاخص تیل، صفر، توزیع برابر درآمد در جامعه را نشان می‌دهد. بیشترین میزان شاخص تیل به منطقه‌ی سه شیراز تعلق داشته است. پس از منطقه‌ی سه، بیشترین میزان شاخص تیل به منطقه‌ی یک تعلق داشته است. کمترین میزان شاخص تیل به منطقه‌ی هشت شیراز تعلق داشته و این میزان برابر با ۰.۱۵۹۵۱ بوده است.

همچنان که پیشتر اشاره شد، مقادیر بیشتر شاخص هیرشمن نابرابری و تمرکز در برخی از زیرمجموعه‌ها را نشان می‌دهد. شاخص هیرشمن برای مناطق نه‌گانه‌ی شهر شیراز به کار گرفته شده و همان گونه که مشاهده می‌شود، این شاخص نشان از تمرکز درآمدها در مناطق چهار و شش کلان‌شهر شیراز داشته است.

۵. نتیجه‌گیری و راهکارها

یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از شاخص اتکینسن و با لحاظ نمودن درجه‌های حساسیت به نابرابری نشان می‌دهد که بیشترین سطح نابرابری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بوده است.

یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از شاخص تیل نشان می‌دهد که بیشترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۲ و کمترین سطح نابرابری در سال ۱۳۸۵ بوده است و از سال ۱۳۸۲ به بعد شاخص به سمت برابری پیش می‌رود.

شاخص هیرشمن روندی نابرابر را نشان می‌دهد و این روند در محدوده‌ی زمانی ۸۲-۱۳۸۱ افزایشی و در محدوده‌ی زمانی ۸۳-۱۳۸۲ روندی کاهشی داشته است. شاخص هیرشمن از سال ۱۳۸۳ به بعد نشان دهنده‌ی روندی صعودی و حرکت به سوی افزایش نابرابری دارد.

شاخص دالتون نشان می‌دهد که این شاخص به سمت نابرابری بیشتر پیش می‌رود و در سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ این شاخص به شدت افزایش یافته است و قطعاً این نابرابری‌ها بر رفاه شهری در شهر شیراز تأثیر می‌گذارد. شاخص‌های محاسبه شده حکایت از نابرابری زیاد درآمدی در شهر مورد مطالعه به تبع کشورمان ایران داشته است.

با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 1.5$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۱ عدد $0/3995$ به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با شصت و یک درصد درآمد کنونی می‌توان به سطح فعلی رفاه دست پیدا نمود. با اعمال کردن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 1.5$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۲ عدد $0/4371$ به دست آمده است. در صورتی که در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد، با پنجاه و هفت درصد درآمد فعلی می‌توان به سطح فعلی رفاه دست یافت. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 1.5$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۳ عدد $0/4219$ به دست آمده است. این درحالی است که اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با پنجاه و هشت درصد درآمد فعلی دست‌یابی به سطح فعلی رفاه ممکن بود. با در نظر گرفتن و اعمال درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 1.5$ شاخص برای سال ۱۳۸۴، عدد $0/4421$ به دست آمده است. در صورتی که در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با پنجاه و شش درصد درآمد فعلی می‌شد به سطح رفاه کنونی دست پیدا نمود. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 1.5$ شاخص برای سال ۱۳۸۵ عدد $0/4504$ به دست آمده است. اگر در این

سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با پنجاه و پنج درصد درآمد فعلی دست‌یابی به رفاه کنونی ممکن بود.

با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت به نابرابری $\varepsilon = 1.5$ ، بیشترین میزان نابرابری به مناطق چهار، شش، پنج و سه شهر شیراز تعلق داشته است و در این زمینه کمترین میزان نابرابری در مناطق نه و هشت دیده می‌شود.

با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۱ عدد $0/4234$ به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شدند با پنجاه و هشت درصد درآمد کنونی می‌شد که به سطح فعلی رفاه دست پیدا نمود. با اعمال نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2$ شاخص برای سال ۱۳۸۲ عدد $0/4471$ به دست آمده است. در صورتی که درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شدند با پنجاه و شش درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح کنونی رفاه دست پیدا نمود. با در نظر گرفتن درجه حساسیت $\varepsilon = 2$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۳ عدد $0/4514$ به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با پنجاه و پنج درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح فعلی رفاه دست یافت. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2$ شاخص برای سال ۱۳۸۴ عدد $0/4922$ به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با پنجاه و یک درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح رفاه کنونی دست پیدا نمود. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2$ شاخص برای سال ۱۳۸۵ عدد $0/5334$ به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با چهل و هفت درصد درآمد فعلی دست‌یابی به سطح رفاه کنونی ممکن بود.

با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۱ عدد $0/6148$ به دست آمده است. در صورتی که در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با سی و نه درصد درآمد کنونی می‌شد که به سطح فعلی رفاه دست پیدا نمود. با اعمال نمودن درجه حساسیت $\varepsilon = 2.5$ شاخص برای سال ۱۳۸۲ عدد $0/7040$ به دست آمده است.

در صورتی که درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با سی درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح کنونی رفاه دست پیدا نمود. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۳ عدد 0.7696 به دست آمده است. این درحالی است که اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با سی و چهار درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح فعلی رفاه دست یافت. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ شاخص برای سال ۱۳۸۴ عدد 0.7308 به دست آمده است. اگر در این سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با بیست و هفت درصد درآمد فعلی می‌شد به رفاه کنونی دست پیدا نمود. با اعمال درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ شاخص برای سال ۱۳۸۵ عدد 0.7978 به دست آمده است. در همین سال اگر درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با بیست و یک درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح رفاه کنونی دست پیدا نمود.

با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 2.5$ در شاخص اتکینسن بیشترین میزان نابرابری در منطقه‌ی چهار شهر شیراز دیده می‌شود و پس از آن منطقه شش، پنج و هفت نابرابری بیشتری داشته‌اند. در این زمینه کمترین میزان نابرابری به مناطق یک و هشت شهر شیراز تعلق داشته است.

با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۱ عدد 0.8421 به دست آمده است. در همین سال اگر درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با شانزده درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح کنونی رفاه دست پیدا کرد. با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ در شاخص اتکینسن این شاخص برای سال ۱۳۸۲ عدد 0.8182 بوده است. در صورتی که در همین سال درآمد بین افراد به طور مساوی توزیع می‌شد با نوزده درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح کنونی رفاه دست یافت. با در نظر گرفتن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ اتکینسن برای سال ۱۳۸۳ عدد 0.8781 به دست آمده است. در صورتی که درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با سیزده درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح

رفاه فعلی دست یافت. با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ شاخص اتکینسن برای سال ۱۳۸۴ عدد ۰/۹۱۲۸ به دست آمده است. در صورتی که در همین سال درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شدند با نه درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح رفاه کنونی دست پیدا نمود. با اعمال درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ این شاخص برای سال ۱۳۸۵ عدد ۰/۹۲۰۱ به دست آمده است. در صورتی که درآمد بین افراد به طور عادلانه توزیع می‌شد با هشت درصد درآمد فعلی می‌شد که به سطح رفاه کنونی دست یافت.

با لحاظ نمودن درجه‌ی حساسیت $\varepsilon = 3$ بیشترین میزان نابرابری در مناطق چهار و شش شهر شیراز دیده شده است و کمترین میزان نابرابری نیز به منطقه‌ی یک شهر شیراز تعلق داشته است. دلیل وجود نابرابری‌های درآمدی در کلان‌شهر شیراز را می‌توان در عدم تخصیص بهینه بودجه به زیربخش‌های عمده اقتصادی (بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی) و فاصله‌ی زیاد بین دهک‌های درآمدی از جمله دهک اول و دهم دانست.

منابع و مأخذ:

۱. ابونوری، اسماعیل و خوش‌کار، آرش (۱۳۸۷)، *تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری اقتصادی در ایران با استفاده از ریزداده‌ها*، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، تهران.
۲. بخشی، لطفعلی (۱۳۸۲)، *اندازه‌گیری تمرکز در صنعت سیمان ایران*، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۶.
۳. حاجی‌نژاد، علی، رفیعیان، مجتبی و زمانی، حسین (۱۳۸۹)، *بررسی متغیرهای مؤثر بر رضایت مندی شهروندان از کیفیت زندگی مطالعه‌ی موردی: بافت قدیم و جدید شیراز*، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، زاهدان.
۴. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد.
۵. ذاکر هنجنی، حمیده (۱۳۸۶)، *نابرابری درآمدی در ایران*، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره ۲۴، تهران.
۶. راغفر، حسین و ابراهیمی، آزاده (۱۳۸۷)، *نابرابری‌های درآمدی در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۳*، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۸، تهران.
۷. زونوز، بهروز هادی (۱۳۸۴)، *فقر و نابرابری درآمد در ایران*، فصلنامه رفاه اجتماعی، تهران.
۸. زیاری، کرامت اله و موسوی، میرنجف (۱۳۸۸)، *تحلیلی بر اندازه‌گیری و تبیین خط فقر و سیاست‌های فقرزدایی در استان یزد*، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، زاهدان.
۹. گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف (۱۳۷۵)، *شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم*، ترجمه‌ی پرویز کریمی ناصری، اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران، تهران.
۱۰. مهندسین مشاور نقش جهان پارس (۱۳۷۰)، *طرح توسعه و عمران و حوزه‌ی نفوذ شهر شیراز*، شیراز.
۱۱. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه‌ی فرخ حسامیان و همکاران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، تهران.
۱۲. Atkinson, A.B. (۱۹۷۰), *on the measurement of inequality*, Econ Theory ۲۲, ۴۴-۲۶۳.
۱۳. Atkinson, A.B. (۱۹۸۳), *The Economics of Inequality*, second Ed, Oxford University Press, NY.
۱۴. Beckerman, W. (۱۹۸۰), *Comparative growth rates of measurable economic welfare: some experimental calculations*, In: Matthews, R.C.O. (Ed), Economic Growth and Resources, vol ۲.
۱۵. Brickman, P., D. Coates, and R. Janoff-Bulman (۱۹۷۸), *Lottery Winners and Accident Victims: Is Happiness Relative?* Journal of Personality and Social Psychology, vol ۳۶(۸).
۱۶. Boyce, J.K. (۱۹۹۴), *Inequality as a cause of environmental degradation*, Ecol Econ ۱۱.

۱۷. Daly, H. (۱۹۹۲), *Allocation, distribution, and scale: towards an economics that is efficient, just, and sustainable*, Ecol Econ ۵.
۱۸. Daly, H., Cobb, J. (۱۹۸۹), *For the Common Good - Redirecting the Economy towards Community, the Environment and a Sustainable Future*, Beacon Press, Boston.
۱۹. Dalton, H., (۱۹۲۰), *the measurement of the inequality of incomes*, Ecol Econ ۳۰.
۲۰. Diener, E., And C. Diener (۱۹۹۶), *Most People are Happy*, Journal of Psychological Science, vol ۷.
۲۱. Diener, E., E. Sandvik, L. Seidlitz, and M. Diener (۱۹۹۳), *the Relationship between Income and Subjective Well-Being: Relative or Absolute?* Social Indicators Research, vol ۲۸.
۲۲. Easterlin, R. A. (۱۹۷۴), *Does Economic Growth Improve the Human Lot?* Some Empirical Evidence, in P. A. David and M. W. Reder (Eds), Nations and Households in Economic Growth. New York: Academic Press.
۲۳. Hagerty, M. (۱۹۹۹), *Unifying Livability and Comparison Theory: Cross-National Time-Series Analysis of Life Satisfaction*, Social Indicators Research, vol ۴۶.
۲۴. Hicks, D.A. (۱۹۹۷), *the inequality-adjusted human development index: a constructive proposal*, World Dev ۲۵ (۸).
۲۵. Klasen, S. (۱۹۹۴), *Growth and well-being: introducing distribution-weighted growth rates to reevaluate US post-war economic performance*, Rev Income Wealth ۴۰ (۳).
۲۶. Le Grand, J., Propper, C., Robinson, R. (۱۹۷۶), *The Economics of Social Problems*, third Ed, Macmillan, Hampshire and London.
۲۷. Meadow, H. L., J. Metzger, D. R. Rahtz, and J. Sirgy (۱۹۹۲), *A Life Satisfaction Measure Based on Judgement Theory*, Social Indicators Research, vol ۲۶.
۲۸. Michalos, A. (۱۹۸۵), *Multiple Discrepancy Theory*, Social Indicators Research, vol ۱۶.
۲۹. Moor, J. (۲۰۰۰), *Learning cities*, the global urban observatory, Habitat Debate, ۶(۱).
۳۰. Parducci, A. (۱۹۹۵), *Happiness, Pleasure, and Judgment: The Contextual Theory and its Applications*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
۳۱. Rojas, M. (۲۰۰۴), *Well-being and the Complexity of Poverty A Subjective Well-being Approach*, Helsinki, Unu-Wider, No ۲۹.
۳۲. Stymne, S. And Jackson, T. (۲۰۰۰), *Analysis Intra-generational equity and sustainable welfare: a time series analysis for the UK and Sweden*, Ecological Economics, Vol ۳۳.
۳۳. Torras, M., Boyce, J.K. (۱۹۹۸), *Income, inequality, and pollution: a reassessment of the environmental Kuznets curve*, Ecol Econ ۲۵ (۲).
۳۴. UNDP (۱۹۹۲), *Human Development Report ۱۹۹۲*, Published for the United Nations Development Programme (UNDP), Oxford University Press, NY and London.

۳۵. UNDP(۱۹۹۳), *Human Development Report ۱۹۹۳*, Published for the United Nations Development Programme (UNDP), Oxford University Press, NY and London.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی